

مفهوم‌شناسی علین در بازشناسی مقام حضرت عباس بن علی (علیه السلام)

سیدضیاءالدین علیاناسب^۱، فاطمه شوخی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹)

چکیده

حضرت عباس بن علی (علیه السلام) بنابر متن زیارت‌نامه، شخصیت برجسته‌ای در علین دارند. علین ابعاد مختلفی دارد که شامل، مراتب عالیّه، سدره‌المنتهی، آسمان هفتم، جنت، لوح محفوظ و طینت است. رسیدن به علین راه‌هایی دارد؛ از جمله دعای معصوم، معرفت‌الله، معرفت‌النبی، معرفت اولیاءالله، معرفت قوام قسط و تصدیق آنان، شناخت شیاطین، قبول اوامر الهی، امانت‌داری، صدق لسان، وفاداری، تعظیم اهل صفوت، برابری، حیا از معصیت، حسن خلق، یتیم‌نوازی، توجه به مستمندان، احسان والدین و سخت‌نگرفتن بر زیردست که حضرت عباس (علیه السلام) به تمام آن راه‌ها به نحو احسن و اکمل نائل شده‌اند. برخی از مراتب علین، مختص ائمه معصومین (علیهم السلام) است؛ از این‌رو در زیارت‌نامه حضرت از رفعت ذکر ایشان به جای نفس یاد شده است؛ زیرا با وجود عدم امکان ورود به آن مراتب، یاد و ذکر ایشان در آن مراتب هم رفیع است.

کلید واژه‌ها: بازشناسی، ذکر، قمر بنی‌هاشم، عباس بن علی، علین، مفهوم‌شناسی.

۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه (س)؛ z.olyanasab@hmu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه (س)؛ www.shavakhi93@ut.ac.ir

مقدمه

حضرت ابوالفضل العباس (ع) فرزند امیرالمؤمنین علی (ع)، متولد چهارم شعبان سال ۲۶ هجری قمری در مدینه از ام‌البنین دختر خُزام بن خالد بن ربیعہ بن عامر بن کلاب بن ربیعہ بن عامر بن صهصعه متولد شد. ایشان در هنگام شهادت در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، ۳۴ سال سن داشتند و تمام این مدت از عمر گران‌بهای خویش را در خدمت خاندان مطهر خود بودند.

میزان اطاعت‌پذیری و بصیرت ایشان در امر دین به‌حدی بود که ستون و تکیه‌گاهی امن برای برادر و امام‌زمان خود بودند و امام‌حسین (ع) در هنگام شهادت ایشان فرمودند: «الآن انکسر ظهري و قلت حيلتي» (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۴).

زیارت‌نامه ایشان به‌سند صحیح و با معانی والا از امام صادق (ع) از سوی محمد بن قولویه متوفای ۳۶۹ هـ محدث بزرگ شیعه، نقل شده است و پس از ایشان نیز سایر محدثان برجسته، مانند شیخ مفید (م ۴۱۳) در کتاب مناسک المزار، شیخ طوسی (م ۳۸۵) در کتاب تهذیب الاحکام از کتب اربعه شیعه، ابن‌المشهدی در کتاب المزار الکبیر، فیض کاشانی در کتاب وافی، علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان نقل کرده‌اند.

یکی از فرازهای این زیارت‌نامه، عبارت «رَفَعَ ذِکْرَكَ فِي عَلِيٍّ» است که پژوهش حاضر درصدد است، تعبیر فوق را با روش کتابخانه‌ای و به‌صورت تحلیلی توصیفی بیان و معارف والا و اسرار نهفته را در این فراز از زیارت‌نامه تحلیل کند.

درباره حضرت عباس (ع) بیشتر در باب ولادت و نحوه شهادت، شجاعت و دلاوری ایشان در سال ۶۱ هجری و حضور در جنگ صفین در زمان امیرالمؤمنین (ع) پژوهش‌ها و تألیفاتی صورت گرفته؛ اما در زمینه ابعاد دیگر شخصیتی این بزرگوار، پژوهش‌های کمی صورت گرفته است؛ از این‌روی، پژوهش حاضر با بررسی مفهومی فراز «رفع ذکرک فی علیین» درصدد رسیدن به‌پاسخ این پرسش است که در بازشناسی شخصیت حضرت عباس بن علی (ع) چه نکاتی از واژگان و عبارت «رفع ذکرک فی علیین» قابل استفاده است؟



پس باید روشن شود، مقصود از «علیین» چیست؟ راه‌های وصول به مقام علیین کدام است؟ زمینه‌ها و عوامل رفعت مقام حضرت عباس بن علی (علیه السلام) به درجه علیین چیست؟ علت تعبیر به «ذکرک» به جای «نفسک» در فراز چیست؟

مفهوم علیین در زمینه ادبی، عرفانی، فلسفی، روایی، قرآنی و... کاربردهای متعددی دارد، ولی مفهوم‌شناسی دقیقی از این عبارت صورت نگرفته است و تنها به استفاده از آن برای کاربردهای فلسفی، مانند اخبار طینت (رضوانی و ذاکری، ۱۳۹۵)، قرآنی مانند درجه جنت (مصلائی پور و خیره، ۹۶)، ادبی و عرفانی (عرب بافرانی، ۱۳۹۰) و... پرداخته شده است. گفتنی است که پژوهش پیشرو، درصدد مفهوم‌شناسی از منابع حدیثی است.

درباره زیارت‌نامه حضرت عباس (علیه السلام) تنها دو پژوهش صورت گرفته، که در آن، مفهوم‌شناسی از علیین و ارتباط آن با شخصیت والای حضرت قمرینی هاشم و تحقیق در عبارت «رفع ذکرک فی علیین» صورت نگرفته است؛ مقاله «تحلیل شخصیت ایمانی حضرت عباس (علیه السلام) براساس زیارت‌نامه ایشان» از محمد رنجبر حسینی و طاهره عطار در پژوهش‌نامه معارف حسینی، شماره ۶ و مقاله «فضائل قمرینی هاشم در زیارت‌نامه حضرت عباس» در نشریه پاسداران اسلام، شماره ۴۱۵ و ۴۱۶ منتشر شده است.

۱. مفهوم علیین

علیین جمع علی بر وزن فعیل، صیغه مبالغه است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۶۲). جست‌وجوی مفهوم علیین نشان می‌دهد، علیین تعاریف مختلفی در روایات شیعی دارد که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه علیین از شئون اهل بیت (علیهم السلام) است، پس تعاریف مختلف هم ظهور جلوات مختلف این انوار مقدسه است:

روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که «نَزَلَتِ الْآيَاتُ كُلَّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأُبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ إِلَى قَوْلِهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ هِيَ خَمْسُ آيَاتٍ فِي النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۴۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۱۱).

آیات «ان الابرار لفي عليين تا يشهده المقربون»، پنج آیه‌ای است که درباره پیامبر ﷺ، امیرالمومنین ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ نازل شده است.

۱.۱. مراتب عالیّه

مقصود از علیین براساس برخی روایت، مراتب عالیّه‌ای است که اعلی مرتبه آن مختص امامان معصوم ﷺ است و مراتب پایین‌تر از آن به نسبت درجه معرفتی بین شیعیان و مخلصین این انوار بزرگوار تقسیم می‌شود.

«قَالَ عِ لِقَائِلِ بِحَضْرَتِهِ اُسْتَغْفِرُ اللّٰهَ تَكَلَّتْكَ اُمُّكَ ا تَدْرِي مَا الْاِسْتِغْفَارُ اِنْ الْاِسْتِغْفَارَ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَ هُوَ اسْمٌ وَّاقِعٌ عَلٰى سِتِّهِ مَعَانٍ اَوَّلُهَا النَّدَمُ عَلٰى مَا مَضٰى» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۹؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۳۶).

آیا می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار، درجه علیین است و آن اسمی است که بر شش معنا واقع شده که اولین آن پشیمانی از گذشته است.

«ثُمَّ يَقُولُ اَنْظُرْ فَيَنْظُرُ فَيَرٰى مُحَمَّدًا وَّ عَلِيًّا وَّ الطَّيِّبِينَ مِنْ اٰلِهِمَا فِى اَعْلٰى عَلِيِّينَ فَيَقُولُ اَوْ تَرَاهُمْ هَؤُلَاءِ سَادَاتُكَ وَّ اَيْمُنُكَ هُمْ هُنَاكَ جُلَاسُكَ وَّ اَنَاسُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۱۷۷).

سپس می‌گویند بنگر، پس محمد و علی و طیبین از آل آنها را می‌بیند. پس می‌گوید آیا آنها را می‌بینی که اینان سروران و امامان تو هستند. آنان هم نشینان و مونسان تو هستند.

«وَمِنْ كِتَابٍ مِّنْهُجِ التَّحْقِيقِ اِلٰى سَوَاءِ الطَّرِيقِ، رَوَاهُ مِنْ كِتَابِ الْاَلِ لِابْنِ خَالَوَيْهِ يَرْفَعُهُ اِلٰى جَابِرِ الْاَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ ص يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَنِى وَ خَلَقَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُّوْرِ وَاحِدٍ فَعَصَرَ ذٰلِكَ النُّوْرَ عَصْرَةً فَخَرَجَ مِنْهُ شِيعَتُنَا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحُوا وَ قَدَسْنَا فَقَدَسُوا وَ هَلَّلْنَا فَهَلَّلُوا وَ مَجَّدْنَا فَمَجَّدُوا وَ وَحَدْنَا فَوَحَدُوا ثُمَّ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضَ وَ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَمَكَثَ الْمَلَائِكَةُ مِائَةً عَامٍ لَا تَعْرِفُ تَسْبِيحًا وَ لَا تَقْدِيسًا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتْ شِيعَتُنَا الْمَلَائِكَةُ وَ كَذٰلَا فِى الْبَوَاقِی فَنَحْنُ الْمُوَحَّدُونَ حَيْثُ لَا مُوَحَّدَ غَيْرُنَا وَ حَقِيقٌ عَلٰى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَا اخْتَصَّنَا وَ اخْتَصَّ شِيعَتَنَا اَنْ يُزِلُّنَا وَ يَعْتَنَّا فِى اَعْلٰى عَلِيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۱۳۱).

جابر از رسول خدا نقل می‌کند که خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را

از نور واحدی خلق کرد پس از عصاره آن شیعیان ما را خارج کرد. پس ما خداوند را تسبیح کردیم سپس آنان تسبیح کردند و ما تقدیس کردیم سپس آنان تقدیس کردند و ما تهلیل کردیم سپس آنان تهلیل کردند و ما تمجید کردیم سپس آنان تمجید کردند و ما اقرار به توحید کردیم سپس آنان اقرار کردند، پس از آن خداوند ملائکه را آفرید و آنان صدسال مکث کردند و چیزی از تسبیح و تقدیس نمی‌دانستند. پس ما تسبیح کردیم سپس شیعیان ما تسبیح کردند و پس از آن ملائکه و... پس حقیقتی است بر خدا همان‌گونه که ما و شیعیانمان را مختص گردانید که ما را در اعلی علیین ببیند و از ما مراقبت کند.

«عَنْ جَعْفَرٍ قَالَ: نَزَلَتْ الْآيَاتُ كُلُّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ إِلَى قَوْلِهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ هِيَ خَمْسُ آيَاتٍ فِي النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۴۵).

امام جعفر صادق (علیه السلام): آیات ان الابرار لفي عليين تا يشهده المقربون، پنج آیه‌ای است که درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نازل شده است.

«التَّسْنِيمَ فَإِنَّهَا تَسِيلُ إِلَى عِلِّيِّينَ فَيَشْرَبُ مِنْهَا خَاصَّةً أَهْلَ الْجَنَّةِ وَ هُمْ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَ أَحِبَّاءُوه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵: ۱۲۸).

تسنیم چیزی است به‌سوی علیین جاری می‌شود، پس خواص اهل بهشت که شیعیان علی و محبین او هستند از آن می‌خورند.

۱.۲. آسمان هفتم

گفته می‌شود که علیین در آسمان هفتم یا بالای آن و زیر عرش اعلی خداوند قرار دارد.

«عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ فِي عِلِّيِّينَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ تَحْتَ الْعَرْشِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۵۱).

پیامبر (صلی الله علیه و آله): علیین در آسمان هفتم زیر عرش خداوند قرار دارد.

«وَ عَنْ قَتَادَةَ كُلُّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ قَالَ عِلِّيُّونَ فَوْقَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ عِنْدَ قَائِمَةِ

الْعَرْشِ الْيَمَنِيِّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۵۳).

قتاده: علیین در بالای آسمان هفتم نزد قائمه عرش یمنی قرار دارد.

۱.۳. سدره المنتهی

براساس برخی نقل‌ها، علین سدره المنتهی است که در روایات آمده است.

«عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى فِي حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ قَالَ: فَخَرَجْتُ مِنْ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى حَتَّى وَصَلْتُ إِلَى حِجَابٍ مِنْ حُجُبِ الْعِزَّةِ ثُمَّ إِلَى حِجَابٍ آخَرَ حَتَّى قَطَعْتُ سَبْعِينَ حِجَابًا وَأَنَا عَلَى الْبَرَقِ وَبَيْنَ كُلِّ حِجَابٍ وَحِجَابٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَرَأَيْتُ فِي عَلِيِّ بْنِ بَخْرَاءُ وَانْوَارًا وَحُجْبًا لَوْ لَا تِلْكَ لَأَحْتَرَقَ كُلُّ مَا تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ نُورِ الْعَرْشِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۴۴-۴۵).

پیامبر ﷺ در حدیث معراج: پس خارج شدم از سدره‌المنتهی تا رسیدم به‌حجابی از حجاب‌های عزت... تا اینکه از هفتاد حجاب گذشتم که بین هر حجاب با دیگری پانصد سال فاصله است... و در علین دریاها و انوار و حجاب‌ها و... را دیدم که اگر آن نبود هرچه در زیر عرش است از نور آن می‌سوخت.

۱.۴. طینت

براساس اقوال بسیار زیادی، علین طینتی است که سرشت آل الله و شیعیان آنان از آن گرفته شده است؛ بدین‌گونه که جسم اهل‌بیت از قسمت عالی علین و روح شیعیان از قسمت پایین‌تر آن، روح اهل‌بیت از اعلی‌علین (فرا‌تر از علین) و جسم شیعیان از دون آن (فروتر از علین) سرشته شده است؛ بنابراین بین جسم اهل‌بیت و روح شیعیان ارتباط زیاد و الفتی وجود دارد.

روایات طینت، بسیار زیاد است که تنها برای نمونه به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم، آنها عبارت‌اند از؛

«أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِيِّ بْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۴۳؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۳۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲).

امام باقر (علیه‌السلام): همانا خداوند ما را از اعلی‌علین آفرید و قلوب شیعیانمان را از آنچه ما را آفرید و بدن‌هایشان را از پایین‌تر از آن.



- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ أَرْوَاحَنَا مِنْ فَوْقِ ذَلِكَ وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شِيعَتِنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ أَجْسَادَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ الْقَرَابَةُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۴۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۹)

امام صادق (علیه السلام): خداوند ما را از علیین آفرید و ارواح ما را از بالای آن و ارواح شیعیانمان را از علیین و اجسامشان را از پایین تر از آن. پس از این جهت است قرابت بین ما و آنان و اینکه قلوبشان به ما متمایل است.

۱.۵. لوح محفوظ

بنابر برخی از اقوال، علیین لوح محفوظی است که اعمال محبین اهل بیت (علیهم السلام) در آن نوشته می‌شود و مرقوم به حب محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است.

- «بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيَّ يَقُولُ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّينَ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ كِتَابٌ مَرْقُومٌ بِالْخَيْرِ مَرْقُومٌ بِحُبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ع» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۳۰۵).

.... علیین کتابی مرقوم به خیر است که آن حب محمد و آل محمد است.

۱.۶. جایگاه علیین: جنت

براساس اخبار بسیاری، علیین محل سکونت اهل بیت و شیعیان است و از این معانی استفاده می‌شود که علیین همان جنت است؛ زیرا جز اولیاء الله و انصار و اعوانشان کسی داخل بهشت نمی‌شود.

- «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلِيٍّ سَبْعَ خِصَالٍ... وَ أَوَّلُ مَنْ يُفْرَغُ مَعِيَ بَابَ الْجَنَّةِ وَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ عَلِيُّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۳۳۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۳۷).

پیامبر (صلی الله علیه و آله): خداوند در علی هفت ویژگی را به من عطا کرد... اولین کسی است که با من درب بهشت را می‌زند و اولین کسی است که با من در علیین ساکن می‌شود.

- «فَلَا يَزَالُ يَرْفَعُ أَقْدَارَ مُجِبِّي عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي الْعَطَايَا وَ الْمَوَاهِبِ حَتَّى إِنَّ الْمُقْصِرَ مِنْ شِيعَتِهِ لَيَتَمَنَّى فِي أُمْنِيَّتِهِ مِثْلَ جَمِيعِ الدُّنْيَا مِنْذُ يَوْمَ خَلَقَهَا اللَّهُ إِلَى يَوْمِ أَفْنَاهَا

فَيَقُولُ لَهُمْ رَبُّهُمْ لَقَدْ قَصَرْتُمْ فِي أَمَانِيكُمْ وَرَضَيْتُمْ بِدُونِ مَا يَحِقُّ لَكُمْ فَانْظَرُوا إِلَى مَوَاهِبِ رَبِّكُمْ فَإِذَا بِقَبَابٍ وَ قُصُورٍ فِي أَعْلَى عَلِيِّنَ مِنَ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَالْأَخْضَرِ وَالْأَصْفَرِ وَالْأَبْيَضِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۱۵۳؛ کوفی، ۱۴۱۰؛ اق: ۲۱۴)

پیامبر ﷺ: او همچنان ارزش‌های محبین علی بن ابی طالب را در عطایا و مواهب بالا می‌برد تا اینکه غافلان از شیعیان او آرزو می‌کند چیزی مانند همه دنیا از روزی که خداوند آن را آفرید تا روزی که نابود شد. سپس خداوند به آنها می‌گوید در آرزویتان کوتاهی کردید و به کمتر از آنچه استحقاقش را داشتید راضی شدید. پس به مواهب پروردگارتان بنگرید و در این هنگام گنبدها و قصرهایی از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید را در اعلی‌علیین می‌بینند.

- «أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ! فَإِنَّ مَنَزِلَكَ فِي الْجَنَّةِ مُوَاجِهَ مَنَزِلِي، وَأَنْتَ مَعِيَ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَا أَعْلَى عَلِيَّوْنَ؟. فَقَالَ: قُبَّةٌ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ مَسْكَنٌ لِي وَ لَكَ يَا عَلِيُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۴۴۱).

پیامبر ﷺ: بشارت باد بر تو یا علی! پس همانا منزل تو در بهشت مقابل منزل من است و تو در اعلی‌علیین رفیق من هستی. پس امیرالمومنین گفت: یا رسول‌الله اعلی‌علیین چیست؟ پس گفت: قبه‌ای از مروارید سفید که در آن هفتاد هزار مسکن برای تو و من هست.

- «وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ عَلِيِّينَ وَ عَلِيُّ مَعِيَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹: ۲۳۰).

پیامبر ﷺ: من اولین کسی هستم که در علیین ساکن می‌شوم و علی همراه من است. - «يَا عَلِيُّ! إِنَّ شِيعَتَكَ لَيُؤَذَنُ لَهُمْ عَلَيْكُمْ فِي الدُّخُولِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ إِنَّهُمْ لَيَنْظُرُونَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَنَازِلِهِمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَمَا يَنْظُرُ أَهْلُ الدُّنْيَا إِلَى النَّجْمِ فِي السَّمَاءِ وَ إِنَّكُمْ لَفِي أَعْلَى عَلِيِّينَ فِي عُرْفِهِ لَيْسَ فَوْقَهَا دَرَجَةٌ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ مَا يُلْقِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰: ۶۳؛ کوفی، ۱۴۱۰؛ اق: ۳۵۱).

پیامبر ﷺ: یا علی همانا به شیعیان تو در هر جمعه اذن دخول داده می‌شود و آنان از منازلشان روز جمعه به شما می‌نگرند همان‌گونه که اهل دنیا به ستارگان آسمان می‌نگرند و همانا شما در اعلی‌علیین در غرفه‌ای هستید که بالاتر از آن درجه احدی از خلق نیست و خدا کسی غیر از شما را ملاقات نمی‌کند.

۲. راه‌های وصول به‌علیین چیست؟

۲,۱. دعای معصوم

برای رسیدن به‌علیین راه‌های وجود دارد که یکی از آن‌ها دعای معصوم در حق افراد است؛

در زیارت‌نامه حضرت اباعبدالله (علیه السلام) درباره اصحاب با وفای ایشان می‌خوانیم:
 «حَسْرَتَا اللَّهِ مَعَكُمْ فِي الْمُسْتَشْهَدِينَ وَ رَزَقْنَا مُرَافَقَتَكُمْ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۷۰).

خداوند ما را در مستشهدین با شما محشور کند و همنشینی با شما را در اعلی‌علیین روزی ما فرماید.

در دیگر اخبار به‌راه‌های دیگری برای وصول به‌علیین از کلام امام صادق (علیه السلام) می‌رسیم؛
 «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ افْتَرَضْتُ عَلَى عِبَادِي عَشْرَةَ فَرَائِضَ إِذَا عَرَفُوهَا أُسْكَنْتَهُمْ مَلَكُوتِي وَ أَبْخَنْتُهُمْ جَنَانِي.....»
 خداوند می‌فرماید: بر بندگانم ده فریضه را واجب کردم، زمانی که آن را بشناسند در ملکوتم ساکنشان می‌کنم....

۲,۲. معرفت خداوند

«أَوَّلُهَا مَعْرِفَتِي»، معرفت خداوند که در ادبیات دینی از آن به توحید تعبیر می‌شود در همه انواع توحید خالق و ربوبی و تشریعی و... در پذیرش و قبولی همه اعمال و مراتب یقین اولین شرط است.

۲,۳. معرفت پیامبر

«وَالثَّانِيَّةُ مَعْرِفَةُ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَ الْإِقْرَارُ بِهِ وَ التَّصَدِيقُ لَهُ»، معرفت پیامبر خدا و اقرار به نبوت ایشان و تصدیق آن، شرط بعدی برای وصول به‌علیین است که بی‌گمان این اقرار، صرفاً زبانی نبوده و باید در تمام مراتب اعمال نیز نمود و شهود داشته باشد.

۲,۴. معرفت اولیاء خدا

«وَالثَّالِثَةُ مَعْرِفَةُ أَوْلِيَائِي وَ أَنَّهُمْ الْحُجَجُ عَلَى خَلْقِي مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانِي وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي وَ هُمْ الْعَلَمُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَصْلَيْتُهُ نَارِي وَ ضَاعَفْتُ عَلَيْهِ عَذَابِي»، معرفت اولیاء الله یا همان امامت که خط ظریف و مقسم قوی در پذیرش اعمال و وصول به علیین است و بدون آن نه تنها وصول غیرممکن، بلکه موجب هلاکت و وصول به اسفل السافلیین است.

۲,۵. معرفت برپاکنندگان عدل الهی

«وَالرَّابِعَةُ مَعْرِفَةُ الْأَشْخَاصِ الَّذِينَ أَقِيمُوا مِنْ ضِيَاءِ قُدْسِي وَ هُمْ قَوَامُ قِسْطِي».

۲,۶. معرفت قوام به وسیله فضائل آنها و تصدیق آن بزرگواران

«وَالْخَامِسَةُ مَعْرِفَةُ الْقَوَامِ بِفَضْلِهِمْ وَ التَّصْدِيقُ لَهُمْ»، برخی از اولیاء الله که از آنان به قوام تعبیر می شود (چراکه به تقویت دین خدا منجر می شوند)، از فضائل و کرامات آنان شناخته می شوند که برای تشخیص آن و تمیز حق از باطل، باید چشمانی تیزبین و قلبی بدون آرایش و روحی با بصیرت داشت و پس از آن به تصدیق آن بزرگواران اقدام نمود.

۲,۷. شناخت شیاطین و عدو الله

«وَالسَّادِسَةُ مَعْرِفَةُ عَدُوِّي إِبْلِيسَ وَ مَا كَانَ مِنْ ذَاتِهِ وَ أَغْوَانِهِ»، قطعاً معرفت حالت دوسویه دارد و همان گونه که باید به جبهه حق، معرفت و بصیرت داشت، نسبت به جبهه باطل نیز باید دارای شناخت و بصیرت بود تا مبادا با حیل‌های جبهه طاغوت و شیاطین از مسیر حق منحرف شد.

۲,۸. قبول اوامر الهی

«وَالسَّابِعَةُ قَبُولُ أَمْرِي وَ التَّصْدِيقُ لِرُسُلِي»، قبول اوامر الهی که در راستای تسلیم شدن در برابر انبیا و اولیاء که حجت خداوند بر مردم هستند اتفاق می افتد، شرط دیگری در وصول علیین است.



۲,۹. حسن امانتداری

«وَالثَّامِنَةُ كِتْمَانُ سِرِّي وَ سِرِّ أَوْلِيَائِي»، حسن تقیه و کتمان اسرار الهی از نامحرمان و حسن امانتداری که به حفظ ودایع الهی و دور ماندن آن از خطرات جبهه باطل منجر می شود از لوازم حفظ دین و متعاقباً وصول به علین است.

- توصیه امام عسگری به احداث اسحاق درباره امام عصر: «يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ اكْتُمْهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ غَدًا فِي عَلِيِّينَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۳۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۴۰؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۵۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۹۶).

این امری از اوامر خداست و سری از اسرار خدا و غیبی از غیب های او، پس آنچه به تو داده شده را بگیر و پنهان کن و از شاکرین باش تا فردا در علین باشی.

- علامه در بحار حدیثی را نقل می کنند از مردی که به اجبار بر ولایت ابوبکر تقیه کرده و ایمانش را از دشمن مخفی می کند؛ ولی در یقین و دل بر ولایت امیرالمؤمنین مصر است و حال خود را از امام هادی (ع) می پرسد و امام می فرماید: «خَيْرُ حَالٍ قَدْ أُوجِبَ اللَّهُ لَكَ مُرَافَقَتَنَا فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ لِحُسْنِ يَقِينِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۴۰۶).

حال خوبی است؛ خداوند همنشینی ما را در اعلی علین به سبب حسن یقینت روزی تو کند.

۲,۱۰. تعظیم اهل صفوت

«وَالتَّاسِعَةُ تَعْظِيمُ أَهْلِ صَفْوَتِي وَ الْقَبُولُ عَنْهُمْ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ حَتَّى يَخْرُجَ الشَّرْحُ مِنْهُمْ»، بزرگداشت و تکریم اهل صفوت که همان خاندان عصمت و طهارت اند، همان گونه که در زیارت شریف جامعه کبیره می خوانیم (و صفوت المرسلین) و پذیرش بی چون و چرا و اطاعت محض از آنان و ارائه اختلافات به آنان تا آنکه از جانب آن بزرگواران شرحی برای آن اختلافات ارائه شود؛ همان گونه که در قرآن در آیه ۵۹ سوره نساء می فرمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» ای کسانی که ایمان

آوردید خداوند و رسولش و اولی الامر را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و رسولش ارجاع دهید.

۲،۱۱. برابری و عدم فخر فروشی

«وَالْعَاشِرَةُ أَنْ يَكُونَ هُوَ وَ أَخُوهُ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا شَرَعًا سَوَاءً»، باید شخص خودش و برادران دینی‌اش را در دین و دنیا یکسان بداند و از نژاد پرستی و فخر فروشی به دور باشد.

«فَإِذَا كَانُوا كَذَلِكَ أَذْخَلْتَهُمْ مَلَكَوتِي وَ أَمْتَتُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ وَ كَانُوا عِنْدِي فِي عَلَيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۱۳). پس زمانی که چنین بودند در ملکوتم داخلشان می‌کنم و از فرع اکبر ایمنشان می‌دارم و در نزد من در علین خواهند بود.

از روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام وارد شده است به صفات دیگر اهل علین اشاره شده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِسْلَامُهُ وَ أَعِينَتْ عَلَى إِيْمَانِهِ وَ مُحْصَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَ لَوْ كَانَ فِيمَا بَيْنَ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ذُنُوبٌ حَظَّتْهَا اللَّهُ عَنْهُ».

چهار صفت است که اگر در کسی باشد، اسلامش کامل می‌شود و بر ایمانش یاری‌اش می‌کند و پروردگارش را ملاقات می‌کند در حالی که او راضی است و خداوند حتی اگر بین سر و پاهایش گناه باشد، آن‌ها را ناپود می‌کند.

۲،۱۲. وفاداری

«وَ هِيَ الْوَفَاءُ بِمَا يَجْعَلُ لِلَّهِ عَلَى نَفْسِهِ».

۲،۱۳. صدق لسان

«وَ صِدْقُ اللِّسَانِ مَعَ النَّاسِ».

۲،۱۴. حیاء از معصیت

«وَ الْحَيَاءُ مِمَّا يَقْبَحُ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ».



۲،۱۵. حسن خلق

«وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الْأَهْلِ وَالنَّاسِ»
 «وَأَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي غُرْفٍ فَوْقَ غُرْفٍ فِي مَحَلِّ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ».

و چهار ویژگی است که اگر در مؤمنین باشد خداوند او را در علیین در غرفه‌های بالای دیگر غرفه‌ها در محلی شریف ساکن می‌کند.

۲،۱۶. یتیم‌نوازی

«مَنْ آوَى الْيَتِيمَ وَنَظَرَ لَهُ فَكَانَ لَهُ أَبًا».

۲،۱۷. توجه به مستمندان

«وَمَنْ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَأَعَانَهُ وَكَفَّاهُ».

۲،۱۸. احسان والدین

«مَنْ أَنْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيَّهِ وَرَفَّقَ بِهِمَا وَبَرَّهُمَا وَلَمْ يَحْزَنْهُمَا».

۲،۱۹. سخت‌نگرفتن بر زبردست

«وَمَنْ لَمْ يَخْرِقْ بِمَمْلُوكِهِ وَأَعَانَهُ عَلَى مَا يُكَلِّفُهُ وَلَمْ يَسْتَسْعِهِ فِيمَا لَمْ يُطِيقْ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۳۸۰).

۲،۲۰. زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و معرفت به حق او

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ ع عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۸۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۸۱).

علت رفعت مقام حضرت عباس بن علی علیه السلام در علیین

حضرت قمرالعشیره علیه السلام به‌نحو اتم و اکمل به‌تمام راه‌های علیین رسیده و آن را

به‌نهایت رسانیده‌اند (اشهد انک قد بالغت...). همان‌گونه که به‌استشهاد امام معصوم، یعنی امام صادق علیه‌السلام در زیارت‌نامه حضرت عباس علیه‌السلام و همچنین گزارش‌های هرچند اندک از زندگی پربار ایشان شاهد آن هستیم؛ زیرا در متن زیارت‌نامه تصریح شده که ایشان دارای مقامی بلند در علیین هستند، پس نه‌تنها تمام ویژگی‌های مندرج در قسمت قبل را دارند، بلکه برخی از ویژگی‌های دیگر را نیز دارند که از متن زیارت‌نامه و برخی از نقل‌های تاریخی زندگی‌نامه ایشان به‌دست می‌آید.

این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. تسلیم «اشهد لک بالتسليم». (کامل الزیارات، ص ۲۵۷، زیارت‌نامه حضرت عباس بن علی علیه‌السلام)؛
۲. تصدیق «و التصديق» (همان)؛
۳. وفاداری «والوفاء» (همان)؛
۴. خیرخواهی برای اباعبدالله علیه‌السلام «والنصيحه لخلف النبي صلى الله عليه وآله» (همان)؛
۵. دعای معصوم در حق او «فجزاك الله عن رسوله و عن اميرالمومنين وعن الحسن و الحسين صلوات الله عليهم افضل الجزاء» (همان)؛
۶. صبوری بر مقدرات الهی «صبرت» (همان)؛
۷. یاری معصوم «اعنت» (همان)؛
۸. شهادت در حالت مظلومیت «قتلت مظلوما» (همان)؛
۹. مطیع امام معصوم: «المطيع لله و لرسوله و لاميرالمومنين والحسن و الحسين» (همان). اطاعت حضرت از امام زمان خود در سراسر زندگی‌شان به‌چشم می‌خورد. در زمان امیرالمومنین علیه‌السلام و در جنگ صفین (العباس، ۱۵۳: ۱۴۲۷). دوشادوش مالک و در سپاه امیرالمومنین علیه‌السلام جنگ نمایانی کرده و ابوشعثای و پسرانش را که قهرمانان نامی عرب بودند به‌درک واصل نمود، در زمان امام حسن علیه‌السلام و چالش‌های سخت زمان ایشان و در جریان صلح که عده زیادی از یاران امام از دور او متواری شدند، همواره موضعی موافق با امام زمانش داشت (هادی منش، ۱۳۸۳: ۱۸). در زمان امام حسین علیه‌السلام نیز، همواره

مطیع امام بودند و اگر از جانب امام فرمان جنگ بود، اطاعت می‌کردند؛ اگر فرمان علمداری بود، اطاعت می‌کردند؛ اگر فرمان آبرسانی بود، اطاعت می‌کردند. حتی در ماجرای شهادت ایشان هم ملاحظه می‌کنیم که فرمان امام خود را مبنی بر آبرسانی تا انتها به انجام رساندند و هیچ چیز حتی قطع دو دست ایشان را متوقف نکرد که از حرکت بایستند و تنها زمانی متوقف شدند که تیر بر مشک فرود آمد و در اینجا حالت تحیر بر حضرت مستولی گشت؛ چرا که نمی‌دانند حال که آب فرو ریخته و مشک و دستی هم برای بازگشت آب آوری مجدد ندارند چه باید بکنند؟ در جریان آوردن امان‌نامه از جانب شمر برای ایشان هم کلمه‌ای جواب او را ندادند تا جایی که اباعبدالله به ایشان فرمان پاسخ‌دهی دادند و پاسخی درخور را نثار آن ملعون کردند. به حق، ایشان در تک‌تک لحظات زندگی شریفشان اطاعت محض از ولی معصوم را به حد اعلی آن، به‌جا آوردند.

۱۰. اکمال یاری اولیاءالله «المبالغون فی نصرت اولیائه» (همان)؛

۱۱. عدم سستی در دین «لم تهن» (همان)؛

۱۲. بصیر در تکالیف «انک مضیت علی بصیره من امرک» (همان)؛

۱۳. مواسات: مواسات به سه معنای، حزن، درمان جراحت و مساوی کردن دو چیز است که در روایات معنای سوم، یعنی همراهی با دیگری در قلب و زبان و عمل مدنظر است (احتشامی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۵۷). حضرت عباس علیه السلام به استشهاد امام صادق علیه السلام دارای مواسات زیاد با اولیاءالله بودند؛ «و الاخ المواسی» به گونه‌ای که مانند برادر مظلومشان غم برادر دیدند و پیش از خود سه‌برادر دیگرشان شهید شدند، مانند برادر با لب تشنه جنگیدند، مانند پدر بزرگوارشان ضربه عدو بر سرشان از پشت سر فرود آمد، مانند بانوی دو عالم از ناحیه بازو آسیب دیدند، در نهایت با یاد برادر امامشان از خوردن آب صرف نظر کرده و با لب تشنه شهید شدند.

مختص وجود مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام است و دیگران هرچند بسیار والامقام، راهی به آن ندارند. باوجود این، مقام حضرت قمرالعشیره عباس بن علی علیه السلام به گونه ای است که ذکر و یاد ایشان در آن مراتب هم دارای رفعت است و از آنجا که {ذکر} از {نفس} عمومیت دارد، لذا از تعبیر {ذکر} استفاده شده است.

نتیجه

۱. در چستی علین، تعبیر مختلفی از روایات به دست می آید؛ از جمله مراتب عالی، سدره المنتهی، آسمان هفتم، جنت، لوح محفوظ و طینت؛
۲. راه های وصول به علین که از روایات به دست آوردیم؛ شامل دعای معصوم، معرفت الله، معرفت النبی، معرفت اولیاء الله، معرفت قوام قسط و تصدیق آنان، شناخت شیاطین، قبول اوامر الهی، امانتداری، صدق لسان، وفاداری، تعظیم اهل صفوت، برابری، حیاء از معصیت، حسن خلق، یتیم نوازی، توجه به مستمندان، احسان والدین، سخت نگرفتن بر زیر دست؛
۳. حضرت عباس علیه السلام نه تنها به مقام علین رسیدند، بلکه مقامی رفیع در تمام مراتب علین دارند و این به دلیل ویژگی های منحصر به فرد و ممتاز این بزرگوار است که شامل تسلیم، تصدیق، وفاداری، یاری معصوم، شهادت مظلومانه، اطاعت محض امام معصوم، اکمال یاری اولیاء الله، سستی نکردن در دین، بصیر در تکالیف و مواسات کامل؛
۴. برخی از مراتب علین، مختص وجود ائمه معصومین علیهم السلام است و حضرت عباس علیه السلام با اینکه شخصا نمی توانند وارد آن مراتب شوند باوجود این، یاد و ذکر ایشان در آن مراتب هم دارای رفعت و بلندی است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی دآوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، دارالشریف الرضی للنشر.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر (لابن مشهدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- ابومخنف، لوط بن یحیی ازدی (۱۳۸۰)، مقتل الحسین، ترجمه جواد سلیمانی، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مرکز انتشارات.
- احتشامی نیا، محسن (۱۳۹۶)، «جلوه‌های مواسات در سیره علمدار کربلا»، شماره ۶، ص ۱۳۹-۱۶۰.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشم.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی، سید جواد (۱۳۹۵)، «فضائل قمر بنی هاشم در زیارت نامه حضرت عباس»، نشریه پاسداران اسلام، شماره ۴۱۵ و ۴۱۶، ص ۲۲-۲۵.
- رضوانی، معصومه و مهدی ذاکری (۱۳۹۵)، «روایات طینت و اختیار انسان»، شماره ۶۹، ص ۴۷-۷۳.
- رنجبر حسینی، محمد و طاهره عطار (۱۳۹۶)، «تحلیل شخصیت ایمانی حضرت عباس (علیه السلام) بر اساس زیارت نامه ایشان»، نشریه پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۶، ص ۴۱-۶۲.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، صالح صبحی، قم، هجرت.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، سلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی (للطوسی)، مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه.
- عرب بافرانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «نقد بلاغی داستان زال و رودابه شاهنامه فردوسی و داستان جمشید و دختر شاه زابل گرشاسب نامه اسدی»، شماره ۱۶، ص ۱۴۵-۱۶۸.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی.
- فیض کاشانی، محمد حسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین علی (علیه السلام).

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیرالقمی، طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات کوفی، محمد کاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مصلائی پور یزدی، عباس و فاطمه خیره (۱۳۹۶)، «مفهوم شناسی جنت در قرآن»، شماره ۴۸، ص ۶۷-۷۷.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی (للمفید)، حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۲۷ه ق)، العباس علیه السلام، محقق محمدحسین، قم، الاجتهاد.

